



شهید محمد عبدالحسینی

ولادت: ۱۳۴۷/۱۲/۱۱، تهران

پذیرش در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

شهادت: ۱۳۶۷/۶/۱، بوکان

آرامگاه: بهشت زهرا تهران، قطعه ۴۰، ردیف ۳۴، شماره ۲۰

زندگی نامه

شهید محمد عبدالحسینی در یازدهم اسفند ۱۳۴۷ در تهران چشم به جهان گشود. او که کوچکترین فرزند خانواده بود، از همان دوران کودکی عشق و علاقه خاص نسبت به فراگیری قرآن و مسائل دینی از خود نشان می داد. نماز را در پنج سالگی فرا گرفت و سوره های کوچک قرآن را حفظ بود. در سال ۱۳۶۲ دوره متوسطه را در دبیرستان مفید تهران آغاز کرد و در کنار آن فعالیت های سیاسی و مذهبی خود را در مساجد امام جعفر صادق (ع) و امام علی ابن ابیطالب (ع) ادامه داد و در این ایام به فراگیری دروس عربی، طلبگی، زبان انگلیسی، فنون نظامی در بسیج سپاه پاسداران و فعالیت های ورزشی پرداخت.

در آذر ۱۳۶۴ برای اولین بار با کاروان راهیان کربلا عازم جبهه های نبرد شد و در واحد تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) استقرار یافت و در بهمن همان سال در عملیات والفجر ۸ که منجر به آزادسازی شهر فاو شد شرکت کرد. در اردیبهشت سال ۱۳۶۵ با یکی از گردان های لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) به جبهه رفت و در منطقه فکّه و شرفانی به مبارزه پرداخت.

پس از گذراندن دوره متوسطه، در کنکور سراسری سال ۱۳۶۶ شرکت کرد و پس از آن بلافاصله عازم جبهه شد و در عملیات نصر ۴ در منطقه ماؤوت دلاورانه از میهن دفاع کرد. پس از اعلام نتایج کنکور در رشته پزشکی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد. وی بار دیگر در اواخر اردیبهشت سال ۱۳۶۷ در عملیات بیت المقدس ۶ شرکت کرد.

پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران زمانی که رژیم عراق دست به تعرض مجدد زد، با پیام امام به سوی جبهه ها شتافت و در ابتدا مسئولیت دسته یک لشکر سیدالشهدا (ع) و گردان حضرت قاسم را پذیرفت، ولی پس از مدتی بنا به ضرورت به منطقه شمال غرب کشور (اردوگاهی بین میاندوآب و مهاباد) منتقل شد و سرانجام در اول شهریور ۱۳۶۷ در بوکان آذربایجان غربی بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

عزیزان! وصیت می‌کنم شما را به همانی که مولایم امیر مؤمنان وصیت کرد که همانا تقوای خدا و نظم در کارهاست. در کارهایتان نظم داشته باشید؛ چرا که با تجربه‌ای که کسب کرده‌ام، در زندگی نظم بیشتر از هر چیز به انسان در تغییر و تحول کمک می‌کند و لازمه ظهور مولا و آقایمان حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) همین تحولات و انقلابات درونی است. دوستان و برادران عزیزم که در سنگر مدرسه درس می‌خوانید! انشاءالله که درس خواندنتان برای خدا باشد و آن را مانند پاسداری از خون شهدا و انقلاب عزیزمان بدانید. سعی کنید همواره در تمام کارهایتان خدا را در نظر بگیرید و هیچ‌گاه از محور انقلاب و خط رهبری خارج نشوید. ای برادران! در کنار سنگر مدرسه، در سنگر جبهه هم شرکت کنید و به ندای رهبرمان لبیک گوید که لبیک به ندای رهبر، همان لبیک به ندای اباعبدالله در روز عاشورا است و بدانید که اگر همه ما در این جنگ که جنگ با تمامی کفر است کشته شویم، نباید بگذاریم که صورت امامان را غمگین ببینیم. باید تا آخرین لحظه در کنار امامان ایستادگی کنیم.